



«گلشن راز» گشن راز»

بخش ۳۳ - سوال از معنی وصال

۱	چرا مخلوق را گویند واصل	سلوک و سیر او چون گشت حاصل؟
۲	بخش ۳۴ - جواب	
۳	وصال حق ز خَلْقِیت جدائی است	ز خود بیگانه گشتن آشنائی است
۴	چو ممکن، گردِ امکان برفشاند	بجز واجب، دگر چیزی نماند
۵	وجود هر دو عالم چون خیال است	که در وقتِ بقا عین زوال است
۶	نه مخلوق است آن کو گشت واصل	نگوید این سخن را مردِ کامل
۷	عدم کی راه یابد اندر این باب؟	چه نسبتِ خاک را با ربِّ ارباب؟
۱	تو معدوم و عدم پیوسته ساکن	وز او سیر و سلوکی حاصل آید؟
۲	اگر جانت شود زین معنی آگاه	به واجب کی رسد معدوم ممکن؟
۳	ندارد هیچ جوهر بی عرض عین	بگویی در زمان استغفرالله
۴	حکیمی کاندرا این فن کرد تصنیف	عرض چوئود که لا یبقی زمانین
۵	هیولنی چیست جز معدومِ مطلق	به طول و عرض و عمقش کرد تعریف
۶	چو صورت بی هیولنی در قدم نیست	که می گردد بدو صورت محقق
۷	شده اجسام عالم زین دو معدوم	هیولنی نیز بی او جز عدم نیست
۸	بین ماهیتت را بی کم و بیش	که جز معدوم از ایشان نیست معلوم
۹	نظر کن در حقیقت سوی امکان	نه معدوم و نه موجود است در خویش
۱۰	وجود اندر کمالِ خویش ساری است	که او بی هستی آمد عین نقصان
۱۱	امور اعتباری نیست موجود	تعیّن‌ها امور اعتباری است
۱۲	جهان را نیست هستی جز مجازی	عدد بسیار و یک چیز است معدود
		سراسر کار او لهو است و بازی

وزن: مفاعیلن مفاعیلن فعولن (هزج مسدس محذوف یا وزن دوبیتی)

منابع:

۱- وبسایت گنجور:

[«گلشن راز» بخشهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰](#)

۲- کتاب گلشن راز، اثر: شیخ محمود شبستری با مقدمه و تصحیح و توضیحات به اهتمام دکتر صمد موحد

۳- کتاب شرح گلشن راز، اثر: الهی اردبیلی - مقدمه و تصحیح و تعلیقات: محمدرضا بزرگر خالقی، عفت کرباسی

۴- کتاب شرح گلشن راز (مفاتیح الاعجاز) اثر: محمد لاهیجی گیلانی، پیش گفتار و ویرایش: دکتر علیقلی محمودی بختیاری

۵- وبسایت واژه یاب: <https://vajehyab.com>



خانقاه خاکسار جلالی مطهری
Khaksar Khanqah